

مطالعه موانع شناساندن مسائل اجتماعی به جامعه توسط سازمان‌های مردم‌نهاد با روش نظریه مبنایی

بهنام لطفی خاچکی^۱

حسین ایمانی جاجرمی^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۰

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۱۱

چکیده

تحقیق حاضر با هدف شناخت موانع پیش‌روی سازمان‌های مردم‌نهاد حمایتی برای شناساندن مسائل اجتماعی به جامعه و به‌اصطلاح آشناسازی انجام شده است. این مطالعه با کمک رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی انجام گرفته که طبق آن، مسئله اجتماعی مشکلی نامطلوب و شایع است که در اعتقاد عمومی قابل‌حل است. روش مورد استفاده در این پژوهش نظریه مبنایی و تکنیک جمع‌آوری داده‌ها، مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته و مشاهده است. جامعه مورد مطالعه سمن‌های حمایتی استان تهران است و داده‌ها از طریق مصاحبه با ۲۳ نفر از مؤسسان و همکاران اصلی سمن‌ها و مشاهده ۳۴ سمن حمایتی به‌دست آمده است. مطابق یافته‌ها، محوری‌ترین چالش پیش‌روی سمن‌های حمایتی برای آشناسازی مسائل اجتماعی «اثرگذاری محدود» است. نداشتن پشتوانه حقوقی و قانونی و نبود شیوه‌های اقناع‌کننده برای ادعاسازی، از جمله دلایل شکل‌گیری این مانع است. اعتبار اجتماعی سمن‌ها نزد اذهان عمومی و نوع ارتباط و نسبت آن‌ها با نهادهای رسمی نیز در آشناسازی مسائل اجتماعی نقش دوگانه‌ای دارد؛ در واقع از جهاتی محدودکننده و از جهاتی تسهیل‌کننده است. در این فضا سمن‌ها عمدتاً مسائل را به‌صورت فردی تحلیل و به مخاطب ارائه می‌کنند. همچنین این مسائل را به‌خوبی ملموس و قابل‌لمس نمی‌سازند. از سوی دیگر سمن‌ها با برجسته‌ساختن ابعاد وخیم و زنده آسیب‌های اجتماعی، متهم به تحریف واقعیت‌ها و نوعی سیاه‌نمایی هستند. این چالش‌ها مانع عمومی‌شدن مسائل اجتماعی مورد توجه سمن‌ها و متقاعدشدن بخش محدودی از جامعه می‌شود. در نتیجه مشکلات اقشار آسیب‌پذیر از زندگی روزمره مردم جدا می‌ماند و موج اجتماعی برای مقابله با معضلات اجتماعی در سطح جامعه شکل نمی‌گیرد.

واژه‌های کلیدی: اقشار آسیب‌پذیر، برساخت‌گرایی اجتماعی، سازمان‌های مردم‌نهاد، مسائل اجتماعی، موانع آشناسازی.

۱. دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران، استاد مدعو دانشگاه سوره (نویسنده مسئول)، blotfi66@gmail.com

۲. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی تهران، imanijajarmi@ut.ac.ir

مقدمه و بیان مسئله

سازمان‌های غیردولتی^۱ گروه‌های داوطلبانه فردی یا سازمانی عمدتاً غیرانتفاعی هستند که معمولاً وابسته به هیچ دولتی نیستند و در سطح محلی، ملی یا بین‌المللی برای خدمت‌رسانی یا سیاست‌گذاری عمومی شکل گرفته‌اند (کارنز، ۲۰۱۶). این سازمان‌های مردم‌نهاد که از آن‌ها با عنوان «سمن» نیز یاد می‌شود، در رایج‌ترین تعریف سازمان‌هایی خصوصی‌اند که برای رفع گرفتاری‌ها و آلام مردم، ارتقای سطح زندگی و رفع فقر، حفظ محیط‌زیست، فراهم‌آوردن خدمات اساسی اجتماعی و توسعه ارتباطات ایجاد می‌شوند (بانک جهانی، ۲۰۱۶).

گسترش سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای صنعتی و غیرصنعتی شتاب گرفته و آمار و اطلاعات نیز این امر را تأیید می‌کند. این موضوع این سازمان‌ها را به بازیگران مهمی در زمینه رفاه اجتماعی و بازار کار در سطوح ملی تبدیل کرده است (هالم و ادواردز، ۱۹۹۷: ۳). در جهان معاصر سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن) به بخش جدایی‌ناپذیر حیات اجتماعی جوامع تبدیل شده‌اند و تعداد آن‌ها روزبه‌روز در حال ازدیاد است (بانک جهانی^۲، ۲۰۱۶؛ فیولا، ۲۰۱۱). طبق گزارش سازمان ملل در اوایل قرن ۲۱ نیز تعداد تقریبی سمن‌ها فقط در کشورهای در حال توسعه حدود ۳۰،۰۰۰ برآورد شده است (شا، ۲۰۰۵). براساس آمارهای جدیدتر، تعداد سازمان‌های غیردولتی در ایالات متحده ۱/۵ میلیون (دپارتمان ایالات متحده^۳، ۲۰۱۳؛ شوکلا، ۲۰۱۰) و در روسیه ۲۷۷ هزار (رودریگز، ۲۰۰۸) برآورد شده است.

طبق آخرین برآوردها، حدود ده میلیون سازمان غیردولتی در سرتاسر جهان وجود دارد. مطابق آمارها، از هر سه نفر یک نفر (۳۱/۵ درصد جمعیت جهان) به سازمان‌های مردم‌نهاد کمک مالی کرده و از هر چهار نفر یک نفر (۲۴ درصد جمعیت جهان) با این سازمان‌ها همکاری داوطلبانه داشته است. بیشترین تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد مربوط به کشور هند است و در این کشور حدود ۳/۳ میلیون سازمان مردم‌نهاد وجود دارد (تقریباً به ازای هر ۴۰۰ نفر یک سمن). بعد از آن، کشور آمریکا بیشترین تعداد سازمان‌های غیردولتی را داراست که تقریباً ۱۱/۵ میلیون نفر با آن‌ها همکاری دارند. همچنین در استرالیا بیش از ۶۰۰ هزار، در آلمان ۶۰۰

1. NGO: Non Governmental Organization

2. World bank

3. US Department of state

هزار و در روسیه ۲۷۷ هزار سازمان مردم‌نهاد فعالیت می‌کنند. در سوئد ۲۳۲ هزار، در انگلستان ۱۶۵ هزار و در آفریقای جنوبی ۱۳۷ هزار سازمان مردم‌نهاد وجود دارد (تکرپرت، ۲۰۱۸).

در ایران نیز رشد تشکل‌های مردم‌نهاد در دهه‌های اخیر محسوس بوده است؛ به طوری که تحقیقات مختلف نشان‌دهنده رشد سمن‌ها، هم به لحاظ تعداد و هم به لحاظ گستره فعالیت این سازمان‌هاست (مولائی، ۱۳۹۳؛ تویسرکانی، ۱۳۹۱). از کل سمن‌های موجود در کشور تا ابتدای دهه ۱۳۸۰، کمتر از ۲ درصد آن‌ها مربوط به قبل از انقلاب‌اند و ۸ درصد آن‌ها بین سال‌های ۵۹ تا ۶۸ فعالیت خود را آغاز کرده‌اند. این در حالی است که حدود ۳۲ درصد این سمن‌ها بین سال‌های ۱۳۶۹ تا ۱۳۷۵ و بیش از ۵۰ درصدشان در سال‌های ۱۳۷۶ الی ۱۳۷۹ مجوز خود را ثبت کرده‌اند (سعیدی، ۱۳۸۲: ۲). مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۴ تعداد سمن‌های فعال در کشور را حدود ۷۰۰۰ مورد اعلام کرده است (صدر، ۱۳۸۵). طبق آخرین آمارهای ثبتی، تعداد سازمان‌های مردم‌نهاد حوزه جوانان در کل کشور که دارای مجوز رسمی هستند، در سال‌های اخیر رشد صعودی داشته است؛ به طوری که میزان مجوزهای صادرشده برای این نوع سمن‌ها از ۹/۴ درصد در سال ۱۳۹۲ به ۱۹/۵ درصد در سال ۱۳۹۶ رسیده است (وزارت ورزش و جوانان، ۱۳۹۶). طبق آمارهای دیگر، از سال ۱۳۸۲ تعداد سازمان مردم‌نهاد رشد صعودی داشته است. مطابق این آمار، درصد سمن‌های فعال از ۱۲/۳ درصد بین سال‌های ۱۳۸۲ الی ۱۳۸۵ به بیش از ۳۰ درصد بین سال‌های ۱۳۹۴ الی ۱۳۹۶ رسیده است. براساس این داده‌ها، نیمی از سمن‌های ثبت‌شده مربوط به شش سال اخیر است (وزارت کشور، ۱۳۹۶). آخرین اطلاعات موجود نیز سازمان‌های مردم‌نهاد در حوزه‌های مختلف فرهنگی-اجتماعی را بالغ بر ۱۹۰۰۰ هزار مورد اعلام کرده است (لطفی، ۱۳۹۷: ۵۴).

در ایران، سمن‌ها دامنه فعالیت وسیعی دارند و در حوزه‌های مختلفی مانند بهبود وضعیت محیط‌زیست، مطبوعات، احزاب سیاسی، بیماری‌های خاص و... اقداماتی انجام می‌دهند. در این میان، پژوهش حاضر انواع خاصی از این سمن‌ها یعنی «سمن‌های حمایتی» را مطالعه می‌کند. منظور از چنین سمن‌هایی در تحقیق پیش‌رو آن‌هایی است که به دنبال حمایت‌های حقوقی، آموزشی، فرهنگی، شغلی، مادی و... در راستای خدمت‌رسانی و توانمندسازی اقشار

محروم، حاشیه‌ای و آسیب‌دیده هستند. این سمن‌ها با توجه‌نشان‌دادن به اقشار آسیب‌پذیر^۱، سعی دارند در راستای شناخت و حل مشکلات و معضلات این گروه‌ها فعالیت کنند.

از یک سو تحقیقات مختلف نشان می‌دهد در یک دهه اخیر مسائلی نظیر حاشیه‌نشینی، اعتیاد، کار اجباری و بازماندن کودکان از تحصیل، طلاق، بیکاری، فقر و... تا حدی رشد داشته و حداقل بخشی از آن‌ها روند نزولی طی نکرده است (وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی، ۱۳۹۶؛ مرکز بررسی‌های استراتژیک، ۱۳۹۶؛ عباسی شوازی، ۱۳۹۶؛ سازمان امور اجتماعی کشور، ۱۳۹۶؛ امیرکافی، ۱۳۹۶؛ مرکز ملی رصد اجتماعی کشور، ۱۳۹۴؛ مهدیزاده و لطفی، ۱۳۹۶؛ زند رضوی، ۱۳۹۶)؛ بنابراین مسئله اصلی این است که چرا علی‌رغم گسترش تعداد و حیطه فعالیت چنین سمن‌هایی در کشور، آسیب‌ها و مسائل اجتماعی کاهش نیافته و در مواردی نیز رشد پیدا کرده است. از سوی دیگر، تحقیقات مختلف نشان می‌دهد چنین سمن‌هایی فعالیت مؤثری در اشتغال گروه‌های ناتوان، رفع فقر، توانمندسازی مردم محروم، کاهش معضلات اجتماعی، حمایت از قشرهای آسیب‌پذیر جامعه و پیشگیری از جرم و بزهکاری دارند (حسینی و همکاران، ۱۳۹۸؛ غلامی و همکاران، ۱۳۹۷؛ مقیمی، ۱۳۸۵؛ سعیدی، ۱۳۸۲؛ گلشن‌پژوه، ۱۳۸۶؛ فبیولا، ۲۰۱۱). سمن‌های حمایتی در تلاش‌اند علاوه بر کمک به اقشار حاشیه‌ای و ارتقای سطح اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی آن‌ها، دولت را نیز در رفع کمبودهای موجود و شناسایی و طرح مسائل و موضوعات مهم و مبتلا به کشور یاری کنند (دانش و عزیزاللهی، ۱۳۸۷: ۳۸؛ شفیعی، ۱۳۸۰). سوادآموزی زنان، کمک به زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی، توانمندسازی کودکان در وضعیت دشوار، حمایت از بزه‌دیدگان، فقرزدایی از اقشار ناتوان، فعالیت‌های بشردوستانه در هنگام وقوع حوادث، گسترش و حفظ حقوق بشر و... از دیگر فعالیت‌های سمن‌های مذکور در کشور است (سعیدی، ۱۳۸۴: ۳۱؛ شیخ‌الاسلام، ۱۳۸۹؛ مولائی، ۱۳۹۳؛ تویسرکانی، ۱۳۹۱؛ دهقان، ۱۳۸۲؛ طوسی، ۱۳۹۰؛ دستان، ۱۳۸۴؛ انوری، ۱۳۸۴؛ گلشن‌پژوه، ۱۳۸۷).

سمن‌ها کارکردهای مهمی نظیر مداخله در مسائل اجتماعی، حساس‌سازی جامعه در قبال مشکلات، پرکردن خلأ خدمات دولتی، استفاده از توان‌بخش عمومی و انتقال خواسته‌های افراد

به مجاری سیاست‌گذاری را دارند و بررسی‌ها نشان می‌دهد این سازمان‌های مردمی کارهای مفید، عملی و موفقیت‌آمیز بسیاری در این زمینه انجام داده‌اند (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲؛ موسوی، ۱۳۹۱؛ کلارک، ۱۹۹۷؛ یوسید، ۲۰۰۰؛ لوئیس، ۲۰۰۱: ۷۷).

در این راستا علت شکاف موجود را که در قالب دو گزاره تشریح شد باید مشکلات و موانع سمن‌های حمایتی در شناساندن مسائل اجتماعی دانست. در اینجا شناساندن به معنی برساختن مسائل اجتماعی است. در واقع، نفس یک موضوع و شرایط عینی موجود برای تبدیل شدن آن به یک مسئله کافی نیست، اما همین که گروهی با آگاهی ذهنی از این شرایط، به آن اعتراض می‌کنند، آن را غیراخلاقی و نامطلوب می‌دانند و برای کاهش و تسکین آن چاره‌اندیشی و تلاش عملی می‌کنند، آن موضوع برساخت، و به یک مسئله اجتماعی تبدیل می‌شود. به بیان دیگر، مسائل اجتماعی فعالیت گروه‌هایی است که از برخی شرایط مفروض اعلام نارضایتی و شکایت می‌کنند. ظهور یک مسئله اجتماعی، به سازمان‌دهی فعالیت‌های گروهی با توجه به تعریف برخی شرایط مفروض به‌عنوان یک مسئله و بیان لزوم از بین بردن، اصلاح یا تغییر آن شرایط وابسته است (اسپکتور و کیتسوز، ۱۹۷۳؛ اسپکتور؛ ۱۹۷۷).

طبق توضیحات فوق، سمن‌ها به‌عنوان عاملان اجتماعی که درصدد برجسته‌سازی و آشناسازی مسائل و تلاش برای مداخله در آن هستند، عنصر مهمی در برساخت یک یا چند مسئله اجتماعی تلقی می‌شوند. در واقع با نگاه برساختی، معضلات و مسائلی که سمن‌ها در تلاش برای ازمیان برداشتن یا کاهش آن هستند، به‌وضوح مسئله‌ای اجتماعی تلقی خواهد شد و سمن‌ها همان گروه‌هایی هستند که سعی دارند یک یا چند مسئله اجتماعی را تعریف و عموم را نسبت به وقوع آن متقاعد کنند. این فرایند متقاعدسازی^۱ (لوزیک، ۱۳۸۳) در این پژوهش به‌اصطلاح «آشناسازی»^۲ خوانده می‌شود؛ بنابراین فرایند آشناسازی مسائل اجتماعی اگر با موانع و چالش‌هایی روبه‌رو باشد، حل این مسائل به‌وسیله سازمان‌های مردم‌نهاد نیز به‌خوبی صورت نمی‌پذیرد. از این جهت مطالعه موانع آشناسازی مسائل اجتماعی در سمن‌ها ضرورت می‌یابد.

1. persuasion
2. Familiarization

پیشینه و مبانی نظری پژوهش

سازمان‌های مردم‌نهاد از جنبه‌های مختلف به عنصر اجتماعی مهمی در دنیا و نیز کشور ایران تبدیل شده‌اند که دست‌کم می‌توان این اهمیت را در سه بخش ذکر کرد. بخش اول «مداخله در مسائل اجتماعی» است؛ مواردی مانند سهم‌شدن در توسعه ملی با تلاش برای رفع مشکلات اقشار آسیب‌پذیر (کلارک، ۱۹۹۷)، توان ویژه کاهش فقر و توانمندسازی گروه‌های حاشیه‌ای و محروم (فارینگتون و همکاران، ۱۹۹۳)، حساس‌سازی جامعه در قبال معضلات گوناگون، شناسایی، طبقه‌بندی و اولویت‌گذاری مشکلات و نیازمندی‌های اجتماعی (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۲: ۱۱)، تجربه و آزمودن رویکردهای نوین و خلاقانه در ارائه خدمات اجتماعی (یوسید، ۲۰۰۰: ۲)، کاهش بار تصدی‌گری دولت در حوزه مسائل اجتماعی (مقیمی، ۱۳۸۲: ۱۲۱) و پرکردن خلأ خدمات دولتی در کمک به قشرهای مشخصی از جامعه.

بخش دوم مربوط به «استفاده از توان‌بخش عمومی» می‌شود که مصادیق آن را باید شامل مواردی مانند ایجاد بستری مناسب برای همکاری و مشارکت گروه‌های مختلف مردم در حل معضلات جامعه، داشتن ظرفیت لازم برای پیشبرد مشارکت‌های مردمی و ابتکارات خودیاری محلی (موسوی، ۱۳۹۱: ۱۱۱)، ایجاد مراکز کانونی برای جذب، سازمان‌دهی و هدایت مردمی و استمرار آن و نیز برخورداری از نفوذ اجتماعی قابل توجه به دلیل ساختار مردمی و تحرک و چابکی فراوان (سعیدی، ۱۳۸۲: ۳۲) دانست. از سوی دیگر، سمن‌ها کارکردهای کلان نیز دارند که از جمله آن‌ها باید به کمک به اجرای عدالت با اصلاح دائمی ساختارها، تلاش برای پاسخ‌گویی دولت‌ها (ون روی، ۱۳۸۶: ۴۱)، انجام فعالیت با هزینه کم به دلیل ماهیت داوطلبی و هزینه بالاسری اندک، نوآوری متناسب با نیازها و شرایط محلی و تطبیق خود با آن (لویس، ۲۰۰۱: ۷۷) و درنهایت انتقال خواسته‌های افراد و گروه‌هایی که به مجاری سیاست‌گذاری دسترسی ندارند به تصمیم‌گیران از طریق واسطه‌گری بین دولت و جامعه اشاره کرد.

تلاش سمن‌ها برای شناساندن مسائل اجتماعی اقشار آسیب‌پذیر با رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی^۱ قابل تحلیل است. در این دیدگاه، نظر بر این است که مسئله اجتماعی مستقل از ذهن ما عینیت ندارد، بلکه به دست ما ساخته می‌شود. در این دیدگاه، علت مسئله اجتماعی نیز

ارزش‌ها، ساختارها و نظام روابط سیاسی-اجتماعی حاکم بر جامعه نیست، بلکه اشتراک ذهنی میان عاملان اجتماعی یا مدعیان یک مسئله و مخاطبان آن‌ها در تعیین مسئله و مواجهه جدی با آن است؛ بنابراین نقش عاملان در این دیدگاه اصلی است و طبعاً طرح مسئله صرفاً جنبه شناختی یا توجیهی ندارد، بلکه مسئله از این‌رو مطرح می‌شود که حل شود (لوزیک، ۱۳۸۳).

در دیدگاه برساخت‌گرایی اجتماعی، مسئله اجتماعی وضعیت اظهارشده مشکل‌سازی است که شایع باشد، ذهن شمار مهمی از مردم را درگیر کند، قابل حل شناخته شود و نیاز به تغییر وضعیت نیز با آن همراه باشد، و افراد خواستار اصلاح آن باشند یا خود برای اصلاحش تلاش کنند. در این دیدگاه، ساخته‌شدن یک مسئله اجتماعی موفقیت‌آمیز و متقاعدشدن افراد نسبت به چهار جزء پیش‌تر ذکرشده مسائل اجتماعی (شایع، آسیب‌زا، قابل حل، ایجاد تلاش برای رفع) اهمیت دارد. افرادی که به‌عنوان عضوی فعال و مؤثر در سازمان‌های مدعی تغییرات اجتماعی (در این تحقیق سمن‌ها) کار می‌کنند، از مهم‌ترین گروه‌های برساخت‌کنندگان مسائل اجتماعی هستند. طبق رویکرد برساختی، مسئله اجتماعی مشکلی است که در اعتقاد عمومی قابل حل است و برای آن اقدام مؤثر نیز در حال انجام است. در این دیدگاه، مسئله اجتماعی با مداخله افراد و گروه‌هایی از مردم حل خواهد شد (معیدفر، ۱۳۸۹: ۹). از این زاویه، معضلات و مسائلی که سمن‌ها در تلاش برای از میان برداشتن یا کاهش آن هستند، به‌وضوح مسئله‌ای اجتماعی تلقی خواهد شد. در واقع، سمن‌ها همان گروه‌هایی هستند که سعی دارند یک مسئله اجتماعی را حل کنند و شناساندن مسائل اجتماعی به جامعه مقدمه‌ای برای مداخله در آن است. وجود موانع بر سر شناساندن مسائل اجتماعی، تلاش مداخله‌گرانه سمن‌ها را نیز دچار مشکل می‌سازد. از این‌رو تحقیق حاضر به دنبال شناخت این موانع است.

در دیدگاه برساخت‌گرایی، مسئله اجتماعی به جنبه‌های نرم و قابل مداخله دشواری‌های اجتماعی معطوف است و نه به جنبه‌های سخت و نفوذناپذیر آن (معیدفر، ۱۳۸۹: ۱۰). با این نگاه، سمن‌ها تلاش دارند بر مشکلات قابل حل تمرکز ورزند و در مسائل اجتماعی مداخله کنند، اما در این مسیر چالش‌های متعددی وجود دارد. تحقیق حاضر به دنبال شناخت موانع پیش‌روی این سازمان‌های مردمی برای شناساندن و به اصلاح آشناسازی مسائل اجتماعی است.

روش تحقیق

این پژوهش کیفی و مبتنی بر رویکرد نظریه‌مبنایی^۱ یا گراند تئوری است. منظور از نظریه‌مبنایی، نظریه‌ای برگرفته از داده‌هایی است که طی فرایند پژوهش به صورت نظام‌مند گردآوری و تحلیل می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴). مشارکت‌کنندگان این پژوهش را ۲۳ نفر از فعالان و مؤسسان سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی در استان تهران تشکیل می‌دهند. همچنین در این تحقیق، ۳۴ سازمان غیردولتی فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی در استان تهران مشاهده شده است. شایان ذکر است سمن‌های انتخاب‌شده در تحقیق جزء مهم‌ترین سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی در کشور هستند. همچنین افرادی که به عنوان مصاحبه‌شونده انتخاب شدند، غالباً تجربه طولانی و نزدیک فعالیت در سمن‌ها را دارا هستند. نکته دیگر اینکه هرچند در این تحقیق واحد تحلیل سازمان‌ها هستند، اغلب داده‌ها از طریق مصاحبه عمیق به دست آمده و تکنیک مشاهده به عنوان روش کمکی به کار گرفته شده است. در پژوهش‌هایی که به روش کیفی انجام می‌شوند، تعداد دقیق افراد نمونه از قبل مشخص نیست و نمونه‌گیری در میدان تحقیق انجام می‌گیرد. در این پژوهش متناسب با راهبرد تحقیق، نمونه‌گیری به شیوه نظری^۲ و هدفمند است که پس از انجام این تعداد مصاحبه و مشاهده، اشباع نظری^۳ حاصل شد.

با توجه به ماهیت موضوع و راهبرد نظریه‌مبنایی، تکنیک محوری و اصلی برای گردآوری داده‌ها مصاحبه‌های عمیق نیمه‌ساخت‌یافته است. علاوه بر این، مشاهده‌های مشارکتی و مستقیم پژوهشگر در میدان پژوهش نیز افزوده شده است. تحلیل داده‌ها نیز به صورت فرایندی منظم و درعین حال مداوم از مقایسه داده‌ها^۴ صورت پذیرفت. تکنیک اصلی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها در این روش کدگذاری^۵ است که طی فرایندی در سه سطح کدگذاری باز^۶، کدگذاری محوری^۷ و کدگذاری انتخابی^۸ انجام پذیرفت. در مرحله کدگذاری باز شناسایی، نام‌گذاری،

1. Grounded theory method
2. Theoretical sampling
3. Theoretical Saturation
4. Constant Comparative Data Analysis
5. Coding
6. Open coding
7. Axial coding
8. Selective coding

توصیف و طبقه‌بندی داده‌ها صورت گرفت و در مرحله کدگذاری محوری، مفاهیم و مقوله‌هایی که در مرحله کدگذاری باز شناسایی شدند، در تجزیه و ترکیبی جدید به یکدیگر مرتبط شدند. نهایتاً در کدگذاری انتخابی، از دل داده‌ها مدل تحلیلی برای موانع آشناسازی مسائل اجتماعی سمن‌های حمایتی ارائه شد.

برای رسیدن به اعتبار^۱ در این پژوهش جنبه‌های مختلفی مدنظر قرار گرفت. تعدادی از متخصصان این حوزه به‌عنوان بازرس خارجی^۲ در تمامی مراحل پژوهش بر روند اجرای تحقیق نظارت داشتند. همچنین در مسیر تحقیق، با هم‌تایان^۳ علمی و مشاوران تبادل‌نظر صورت گرفت. از روش‌های دیگر اعتبارسنجی در روش کیفی، اعتبار از طریق اعضاست. در این روش، اعضا توصیف محقق را انعکاس دنیای اجتماعی خود می‌دانند (ایمان، ۱۳۹۱: ۱۸۱). در این تحقیق نیز نتایج به مصاحبه‌شوندگان برگردانده شد و سپس نظرهای آن‌ها با یافته‌ها مطابقت داده شد. علاوه بر این، برای افزایش اعتبار تحقیق، داده‌ها، روش‌ها و تصمیمات در حین اجرای طرح به‌گونه‌ای ثبت و مستندسازی شد که به سایر پژوهشگران، قدرت درک تصمیم‌های محقق، تکرار فرایند تحقیق و امکان ارزشیابی مطالعه را بدهد. مکتوب‌کردن دقیق متن مصاحبه‌ها، ذخیره و نگهداری صوت مصاحبه‌ها (در صورت رضایت مصاحبه‌شونده)، تدوین مشاهده‌نامه و... از جمله موارد دیگری است که به اعتبار کار افزوده است. همچنین تحلیل موارد منفی^۴ (تدقیق در دیدگاه افرادی که نظرهایی متفاوت با غالب مصاحبه‌شوندگان داشته‌اند) نیز موجب اصلاح برخی یافته‌ها شده است.

یافته‌ها و تحلیل

در این پژوهش، ۵۲ درصد مصاحبه‌شوندگان مرد و ۴۸ درصد آن‌ها زن هستند و میانگین سن افراد ۴۲ سال است. بیشتر افراد یعنی حدود ۵۷ درصد آن‌ها دارای تحصیلات کارشناسی ارشد هستند. همچنین ۵۷ درصد از مصاحبه‌شوندگان جزء فعالان سازمان‌های مردم‌نهاد هستند و ۴۳

-
1. Truthworthiness
 2. External Audits
 3. Peer Debriefing
 4. Negative case analysis

درصد نیز از بین مؤسسان سمن‌ها انتخاب شده‌اند. ۵۳ درصد سمن‌های مورد مطالعه بزرگ، ۲۹ درصد کوچک و ۱۸ درصد متوسط بوده‌اند.

در این قسمت با ذکر نمونه مفاهیم، مقوله‌ها و متن مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی، چگونگی استخراج مفاهیم و مقوله‌ها نشان شده است. شایان ذکر است در این پژوهش در مجموع ۱۹ مقوله اصلی و حدود ۲۰۰ مفهوم استخراج شده است.

جدول ۱. نمونه مفاهیم و مقوله‌های استخراج شده از متن مصاحبه‌ها و مشاهدات میدانی

جایگاه در مدل	نمونه مقوله‌ها	نمونه مفاهیم	نمونه عبارات/ مصادیق
	نبود پشتوانه حقوقی و شرایط علی قانونی	ضعف قوانین تأسیس سمن، وابستگی قوانین به رویکرد دولت‌ها، ضعف قوانین تأسیس، برخورد سلیقه‌ای، وجود چند نهاد متولی ثبت، ناهماهنگی دستگاه‌های حکومتی، روند کند ثبت، ایجاد بوروکراسی طولانی، پیچیدگی روند ثبت / و ...	طراحی اساسنامه قالبی و ضوابط از پیش مشخص شده در مرحله ثبت نیز با سرشت سازمان‌های غیردولتی همسویی ندارد. اساسنامه پیشنهادی دولت که در بعضی از موارد دارای تناقض‌های قانونی است، صورتی قالبی دارد و بدون توجه به اهداف و برنامه‌های واقعی هر سازمان خاص اعمال می‌شود و به اعضای سازمان‌ها برای طراحی اساسنامه مناسب آزادی عمل نمی‌دهد. در واقع ضوابط و اساسنامه از پیش تعیین شده به‌مثابه نوعی مداخله در فرایند مدیریت این سازمان‌ها تلقی می‌شود. / و ...
راهبردها	منفعت‌رسانی فردی	ابهام در تعریف اهداف، واردنشدن به مسائل مهم، غلبه نگاه فردی بر نگاه جمعی، نبود آینده‌نگری، نداشتن راهبرد عملیاتی و برنامه مدون، نداشتن برنامه بلندمدت / و ...	اغلب سازمان‌های غیردولتی به کار تخصصی توجه ندارند و انبوهی از فعالیت‌های متنوع را به‌عهده می‌گیرند. در این موضوعات نیز بیشتر با نگاه فردی مسائل اجتماعی را تحلیل می‌کنند و سعی دارند آن را حل کنند. / و ...
پیامدها	گسست بین زندگی روزمره و مسائل اجتماعی	کمک به جای عمل روزمره، کمک در کنار عمل روزمره، عمل جایگزین، عمل مکمل، توفیق اندک در ورود مسائل به مسیر جاری زندگی / و ...	به جای اینکه برای ولیمه یا مراسم عزا هزینه کنید، می‌توانید کودکان دچار سوء تغذیه را سیر کنید. یا برای تهیه استند مجالس خود از ما کمک بخواهید. البته همه افراد تمایل ندارند به جای این کارها به سمن‌ها کمک کنند. / و ...

یافته‌های اصلی پژوهش پس از کدگذاری، حول چند مقوله اصلی تحلیل شدند. در ادامه درباره مهم‌ترین مقوله‌های استخراج‌شده و موقعیت آن‌ها به‌عنوان شرایط علی، شرایط زمینه‌ای، شرایط مداخله‌گر، راهبردها و پیامدها به‌طور انتزاعی تر صحبت می‌شود.

الف) شرایط علی

شرایط علی به حوادث وقایع و اتفاقاتی اشاره دارد که به وقوع یا گسترش پدیده‌ای می‌انجامد؛ درواقع مجموعه شرایطی است که سبب پیدایش پدیده می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴). مهم‌ترین شرایط علی استخراج‌شده در این تحقیق به شرح زیر است:

• نداشتن پشتوانه حقوقی و قانونی

یکی از شرایط علی که مانع شناساندن مسائل اجتماعی توسط سمن‌ها می‌شود، نداشتن پشتوانه حقوقی و قانونی است. درواقع قانون جایگاه محکمی برای سمن‌ها قائل نشده است تا آن‌ها بتوانند به‌عنوان مدعی‌العموم در برخی مسائل اجتماعی وارد شوند و آن را به جامعه معرفی کنند. سازمان‌های مردم‌نهاد با مشکلات زیادی برای ثبت و تمدید پروانه فعالیت خود مواجه هستند. حتی این قوانین نیز با تغییر دولت‌ها به‌درستی و با ثبات مشخصی اجرا نمی‌شود. درواقع می‌توان گفت قوانین مربوط به سمن‌ها تا حدی وابسته به رویکرد دولت‌هاست و بعضاً با آن برخورد سلیقه‌ای می‌شود. از سوی دیگر مشکلاتی مانند ناهماهنگی دستگاه‌های حکومتی در مسیر ثبت سمن‌ها، وجود چند نهاد متولی ثبت، بوروکراسی طولانی و روند کند ثبت سمن‌ها گریبانگیر سازمان‌های مردم‌نهاد است. محمد در این خصوص می‌گوید:

«طراحی اساس‌نامه قالبی و ضوابط از پیش مشخص‌شده در مرحله ثبت نیز

با سرشت سازمان‌های غیردولتی همسویی ندارد. اساس‌نامه پیشنهادی دولت که

در بعضی از موارد دارای تناقضات قانونی است، صورتی قالبی دارد و بدون

توجه به اهداف و برنامه‌های واقعی هر سازمان خاص اعمال می‌شود و به

اعضای سازمان‌ها برای طراحی اساس‌نامه مناسب آزادی عمل نمی‌دهد.»

• طرح معضلات اشخاص نوعی

سمن‌ها با طرح مشکلات اشخاص نوعی و آسیب‌هایی که گروه معدودی را درگیر ساخته

است، اثرگذاری محدودی در سطح جامعه دارند. به بیان دیگر سمن‌ها از یک سو دست روی مسائلی می‌گذارند که مبتلابه جامعه نیست و از سوی دیگر مسائل اجتماعی شایع را به‌گونه‌ای که حضار آن را همه‌گیر و عمومی تصور کنند، مطرح نمی‌کنند؛ برای مثال مسئول یکی از سازمان‌های مردم‌نهاد مورد بررسی در گردهمایی برای دعوت به ترک اعتیاد در یکی از محله‌های اعتیادخیز این جملات را بیان می‌کند:

«هر بدبختی‌ای که ما در این کشور داریم از همین مردان است که الان معتاد هستند. آمدیم قسمت‌ان بدهیم که اعتیاد فقط خانه خودتان را نسوزانده، خانه جامعه ما را دارد می‌سوزاند، یک ذره بوالهوسی کردن دارد مملکت ما را می‌سوزاند. از همه جا مواد می‌آید، از همه جا فساد می‌آید به‌خاطر اینکه یک مرد همت نکرده مردی نکرده اعتیادش را ترک کند.»

از این صحبت‌ها چنین برمی‌آید که سمن مذکور اعتیاد را بیشتر معضلی فردی می‌داند تا اجتماعی. این موضوع درباره بسیاری معضلات دیگر هم صدق می‌کند.

• تنوع‌نداشتن شیوه‌های ادعاسازی

از دیگر شرایط علی باید به اتخاذ شیوه‌های غیرمتنوع و محدود ادعاسازی اشاره کرد. بررسی مباحث نظری مربوط به برساخت مسائل اجتماعی نشان می‌دهد روش‌های مختلفی برای ادعاسازی وجود دارد که طبق یافته‌ها سمن‌ها از بسیاری از آن‌ها یا استفاده نمی‌کنند یا به‌درستی آن را به کار نمی‌برند. درحالی‌که یکی از شیوه‌های برساختن و مهم جلوه‌دادن مسائل اجتماعی این است که سمن‌ها بتوانند ادعاهای مسائل اجتماعی را به شکل اقناع‌کننده‌ای مطرح سازند.

ب) شرایط زمینه‌ای و مداخله‌گر

به‌طورکلی مقصود از زمینه، شرایط ویژه‌ای است که پدیده در آن قرار دارد. درواقع شرایط زمینه‌ای به خصایص و خصوصیات ویژه پدیده دلالت دارد. همچنین شرایط مداخله‌گر یا میانجی، زمینه ساختاری گسترده‌ای است که پدیده در آن رخ داده و بر چگونگی واکنش نشان‌دادن به آن یا پیامدهای آن مؤثر است. درواقع این شرایط، راهبردها را درون زمینه خاصی سهولت می‌بخشند یا آن‌ها را محدود و مقید می‌کنند. عوامل مداخله‌گر به‌عنوان مواردی که

می‌توانند نحوه مواجهه سمن‌ها با چالش اثرگذاری را تسهیل یا محدود کنند در این مدل برشمرده شده‌اند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴).

• ویژگی‌های ساختاری سمن‌ها

مهم‌ترین عوامل زمینه‌ای اثرگذار بر چالش اصلی سمن‌ها در حوزه مداخله در مسائل اجتماعی، قدمت و طول عمر سمن‌ها، اندازه و نیز گستره جغرافیایی سمن‌های حمایتی است (اینکه یک سازمان مردم‌نهاد در چه منطقه جغرافیایی به مسائل و معضلات اجتماعی وارد می‌شود). همچنین حیطه فعالیت (اینکه اقدامات یک سازمان مردم‌نهاد بیشتر در کدام حوزه از مسائل و معضلات قرار می‌گیرد) و گستره موضوعی (تعداد موضوعات و مسائل مورد توجه سمن‌ها و میزان تنوع و گستردگی آن) نیز از دیگر عوامل زمینه‌ای مؤثر در این زمینه محسوب می‌شوند. این ویژگی‌های ساختاری بر نحوه مواجهه سازمان‌های مردم‌نهاد با مسائل اجتماعی و نیز تلاش آن‌ها برای شناساندن این مسائل به جامعه تأثیر می‌گذارد؛ برای مثال، سمن‌های تازه‌تأسیس، کم‌تجربه و کوچک مقیاس در مقایسه با سمن‌های بزرگ و با سابقه، با موانع و مشکلات بیشتری برای اقناع جامعه در خصوص وجود یک آسیب اجتماعی روبه‌رو هستند.

• اعتبار اجتماعی در نزد جامعه

یکی از عوامل مداخله‌گر در فرایند شناساندن مسائل جامعه اعتبار اجتماعی سمن‌ها نزد اذهان عمومی و مشارکت‌کنندگان است. در واقع سمن‌هایی که اعتبار اجتماعی مقبولی در نزد مخاطبان دارند، در مسیر شناساندن مسائل اجتماعی به مردم با دشواری کمتری روبه‌رو هستند. این موضوع به افزایش اعتماد مخاطبان و مردم نیز می‌انجامد. به بیان دیگر، کاهش اعتماد مردم به سمن‌ها به کاهش اعتبار اجتماعی آن‌ها در سطح جامعه منجر می‌شود. علی در این زمینه می‌گوید:

«سمن‌ها باید سرمایه‌های سرگردانی را که نزد مردم وجود دارد مدیریت

کنند. این در صورتی محقق می‌شود که NGOها راه‌های اعتمادسازی و

شفاف‌سازی را پیدا کنند؛ مثلاً اگر کسی را در خیابان ببینید که کمک می‌خواهد

نمی‌دانید واقعاً نیازمند است یا خیر. به همین شکل اگر مردم به سمن‌ها اعتماد

نداشته باشند با آن‌ها همکاری نمی‌کنند.»

همان‌طور که از سخنان فوق برمی‌آید، با کاسته شدن از این اعتبار و اعتماد، جامعه نیز کمتر در حل مسائل اجتماعی با سازمان‌های مردم‌نهاد همراه می‌شود.

• ارتباط با نهادهای رسمی

نوع ارتباط و نسبت سمن‌ها با نهادهای رسمی نیز به‌عنوان یک عامل مداخله‌گر در اینجا قابل ذکر است. اینکه سمن‌های حمایتی چه نوع ارتباط و بعضاً وابستگی‌ای به نهادهای رسمی متولی ورود به آسیب‌ها و مسائل اجتماعی دارند اهمیت دارد. از یک سو ارتباط با نهادهای دولتی پشتوانه مالی و قانونی خوبی برای سمن‌ها فراهم می‌آورد. از سوی دیگر برخی سمن‌ها اعتماد کافی به این نهادهای رسمی ندارند و تصور می‌کنند که این روابط ماهیت غیردولتی و مردمی آن‌ها را زیر سؤال می‌برد و متعاقباً به کاهش ارتباط آن‌ها با مردم و بی‌اعتمادی به آن‌ها در سطح جامعه می‌انجامد. یکی از مصاحبه‌شوندگان در این خصوص می‌گوید:

«این سازمان‌های مردم‌نهاد به‌خاطر بی‌اعتمادی به دولت حاضر به هزینه-

دادن برای فعالیت‌هایشان نیستند و این مسئله به عقیم‌ماندن طرح‌ها و تداوم

چرخه بی‌اعتمادی منجر می‌شود.»

• ارتباط بین اعتقادات و فعالیت سمن‌ها

عامل مداخله‌گر دیگر «ارتباط بین اعتقادات و سنن با فعالیت خیریه» در سمن‌هاست. در توضیح این عامل باید گفت برخی از سمن‌ها با پیوند دادن یکی از مناسبت‌های ملی یا مذهبی با نیاز اقشار آسیب‌پذیر سعی می‌کنند یک معضل اجتماعی را برجسته و برساخت کنند؛ برای نمونه در یکی از سمن‌های مورد مطالعه در توضیح فعالیت‌هایش آمده:

«این جمعیت در شب شهادت امیرالمؤمنین (ع) در طرحی با عنوان

«کوچه‌گردان عاشق» با تأسی و تأکید بر یتیم‌نوازی ایشان سعی می‌کند به فقرای

جامعه کمک کند و معضل فقر را ریشه‌کن سازد. همچنین در قالب آیین

«طفلان مسلم» در ایام عزاداری محرم و صفر و با شعار «برای طفلان مسلم

دیروز می‌گیریم، آیا برای طفلان مسلم امروز می‌کوشیم؟»، تلاش می‌شود با

تأمین هزینه ديه از طريق کمک‌های مردمی برای آزادی و بخشش نوجوانان محکوم به قصاص گامی برداشته شود.»

هدف سمن‌ها از این تلاش، انطباق دستاوردهای این آیین‌ها با نیازهای روز جامعه برای کاهش معضلات اجتماعی است. در واقع سازمان‌های مردم‌نهاد فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی از مسیر سنت‌های دیرین جامعه با کمک به فراتر نهادن ذهنیت جامعه از عادات مرسوم در این مناسبت‌ها، در کنار حفظ مقدسات دینی و مذهبی و احترام به اصالت ملی سعی دارند دستاوردی برای اجتماع و به‌ویژه قشر آسیب‌دیده داشته باشند.

ج) راهبردها

راهبردهای عمل و تعامل مجموعه مشخصی از راهبردها یا اقدامات امکان‌پذیر در یک زمینه و با شرایط مداخله‌گر خاص هستند. این راهبردها به‌مثابه کنش و واکنش، مکانیسم و تدابیری است که برای مواجهه، برخورد، مدیریت، کنترل و اداره پدیده به‌کار گرفته می‌شود (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴). عمده‌ترین راهبردهای به‌کاررفته در سمن‌ها در ادامه ذکر می‌شود.

• منفعت‌رسانی فردی و طرح غیرملموس مسائل

در مواجهه با چالش مذکور، سمن‌ها «منفعت‌رسانی فردی» را انتخاب می‌کنند و تلاش دارند مخاطبان را متقاعد سازند که رفع مشکل یک نفر نیز می‌تواند سودمند باشد. همچنین یکی از راه‌های بساخت مسائل اجتماعی و شناساندن آن به مخاطبان این است که مردم آن را بیشتر حس کنند. در واقع ممکن است بسیاری از مشکلاتی که اقشار آسیب‌پذیر درگیر آن هستند، برای مردم عادی دور از ذهن باشد. این موضوع نیز طبیعی است؛ چون آن‌ها خود دچار آن معضلات نشده‌اند؛ بنابراین برای ملموس‌سازی بیشتر، سمن‌ها باید از روش‌هایی استفاده کنند تا آسیب‌های اجتماعی برای عموم جامعه (حضرار) قابل‌لمس شود. درحالی‌که یافته‌ها نشان می‌دهد مسائل اجتماعی در سمن‌های حمایتی به‌گونه‌ای غیرملموس مطرح می‌شود و برای همه حضرار به‌خوبی قابل‌درک و پذیرش نیست.

• برجسته‌کردن ابعاد وخیم و سهل‌الوصول مسائل

یکی از راهبردهای سمن‌ها برای کنترل و مدیریت مشکلات و موانع این است که سعی دارند

به جای رفتن به سراغ کل یک آسیب و مسئله، به سمت منجرکننده‌ترین، بدترین، بغرنج‌ترین و زشت‌ترین بخش آن آسیب بروند و این پیامدها و ابعاد وخیم را برجسته کنند؛ برای مثال فاطمه در توضیح معضلات جامعه، وخامت اوضاع را این‌گونه بیان می‌کند:

«بسیاری از زباله‌گردها کودکان افغانی، پاکستانی و ایرانی هستند که در کارگاه‌های تفکیک زباله می‌خوابند. در این بین کودک چهارساله دختر هم داشتیم که معمولاً محروم از تحصیل هستند. این‌ها بیماری پوستی و تنفسی دارند. آمار زباله‌گردی را در ده استان را بررسی کردیم که نشان می‌دهد این معضل همه‌گیر است. راهکار دولت نباید کوتاه‌مدت باشد که مثل بقیه کارها فراموش شود. نان کودک نباید در زباله باشد. ما طرح ارائه لایحه به مجلس را داشتیم در این مورد. سمیناری برای ازدواج اجباری کودکان گذاشتیم. فهمیدیم بخش اعظم این موضوع به دلیل فقر بود؛ فردی به خاطر کرایه خانه بچه‌اش را داده به صاحب‌خانه.»

همچنین اکتفای سمن‌ها به رفع ابعاد خردتر و سهل‌الوصول‌تر یک آسیب اجتماعی نیز از دیگر راهبردهای قابل‌اشاره است. از این منظر، یک مسئله اجتماعی همچنان پابرجاست و وجود دارد، اما تنها برخی پیامدهای خرد آن که قابل تخفیف، مداخله و کنترل است، رفع می‌شود.

• تحریف واقعیت

در راستای شناساندن مسائل اجتماعی به مردم، یکی از اتهاماتی که به سمن‌ها زده می‌شود این است که آن‌ها با تحریف واقعیت و فریب مردم سعی دارند از افراد خیر و انسان‌دوست پول جمع‌آوری کنند. اسمایلی^۱ استفاده برخی سمن‌ها از رسانه‌ها برای جمع‌آوری کمک را پورنوگرافی فقر می‌نامد که عبارت است از فروش کودکان قحطی‌زده به همگان در جوامع غربی (ون روی، ۱۳۸۶: ۳۴). از این منظر شیوه فوق‌گاهی ممکن است سمن‌ها را در مظان اتهام قرار دهد و به یک چالش تبدیل شود. درواقع اگرچه برساختن پیامدهای هول‌انگیز و حاد و تأکید بر اینکه مسئله مورد نظر نتایج ناگوار و جبران‌ناپذیری دارد، ممکن است مخاطب را آسان‌تر متقاعد کند که باید برای آن مسئله کاری انجام داد، این موضوع شائبه «تحریف واقعیت» را نیز به دنبال دارد.

د) پیامدها

پیامدها، نتایج و حاصل یک کنش و اقدام هستند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴). در این بخش مهم‌ترین پیامدهای موانع پیش‌روی سمن‌ها برای شناساندن مسائل اجتماعی ذکر می‌شود.

• متقاعدشدن بخش محدودی از حضار و عمومی‌نشدن مسائل

از جمله پیامدهای راهبردهای سمن‌ها، متقاعدشدن بخش محدودی از حضار و عمومی‌نشدن مسائل اجتماعی مورد توجه آن‌هاست. در حالت ایده‌آل، سازمان‌های مردم‌نهاد باید بتوانند مسائل اجتماعی را یک شرایط بسیار معمول، عمومی و ملموس جلوه دهند. به‌لحاظ نظری برای این کار تأکید بر اینکه افراد زیادی ممکن است قربانی یک مسئله باشند و نیز تأکید بر شیوع و فراوانی یک مسئله (زیاد، بالا و بزرگ‌بودن اندازهٔ مسائل و تعداد قربانیان به‌طوری‌که حضار همیشه خطر را بسیار نزدیک به خود احساس کنند و هیچ‌کس خود را مصون از آن نداند) صورت می‌گیرد. زهرا این موضوع را این‌گونه توضیح می‌دهد:

«ما به‌دنبال لمس مسائل اجتماعی از نزدیک هستیم. تغییر نگاه افراد از موضع ضعف به موضع عملگرایی مدنظر ماست. وقتی می‌بینم مشکل فقط برای من است به‌سختی می‌توانم آن را حل کنم. اما وقتی عدهٔ زیادی می‌بینند مشکل دارند، راحت‌تر می‌توان آن را حل کرد. هدف نهایی درگیرکردن همهٔ افراد و تلاش جمعی برای حل مشکلات است.»

روش دیگر «شخصی‌کردن مسائل» برای تحریک احساسات، همدردی بیشتر با قربانیان و بعضاً تنفر اخلاقی بیشتر از مقصران است. این شیوه به‌ویژه با بیان سرگذشت افراد مشهور که دچار مسئله شده‌اند قابل‌انجام است. البته یافته‌ها نشان می‌دهد سمن‌ها در این مسیر چندان موفق عمل نمی‌کنند و از این روش‌ها به‌خوبی بهره نمی‌برند. در صورتی‌که مسائل اجتماعی عمومی نشوند، قاعدتاً به‌خوبی به مخاطب شناسانده نمی‌شوند و موج توجه به مسائل نیز شکل نمی‌گیرد. این موج درواقع پیامد منطقی برساخت مسائل اجتماعی در سمن‌هاست. به بیان دیگر، این هدفی مطلوب برای سمن‌هاست که نتایج اقدامات آن‌ها فراتر از فعالیت‌های محدود برای حل مشکل تعدادی از افراد باشد؛ هدفی که به‌درستی محقق نشده است. یکی از فعالان سمن تلاش برای ایجاد این موج را بدین شکل شرح می‌دهد:

«کار ما از پرداختن به مشکلاتی شروع شد که کسی راجع به آن اطلاعی نداشت. مثلاً اعتیاد کودکان. قبل از ما به این مسائل توجه نمی‌شد. هدف ما رسیدن به مدلی برای حل آسیب‌های اجتماعی است. وقتی هر فرد به مشکل خود نگاه می‌کند، نگاه فردی به مشکل دارد. اما وقتی افراد مشکل‌دار کنار هم جمع می‌شوند، آن موضوع را به‌عنوان یک مسئله اجتماعی درک می‌کنند.»

• گسست بین زندگی روزمره و مسائل اجتماعی

آخرین پیامد قابل‌ذکر به‌وجودآمدن فاصله بین زندگی روزمره و جاری مردم و مسائل اجتماعی است. فعالیت سمن‌ها باید به‌گونه‌ای متصل به زندگی روزمره و بخشی از انتخاب‌های معمول و همیشگی مردم باشد. در غیر این صورت، مسائل اجتماعی مورد توجه سمن‌های حمایتی توسط حضار پذیرفته نمی‌شود. یوسف توضیح می‌دهد که برای ایجاد این پیوند و اتصال چه کارهایی می‌توان انجام داد:

«ما با تشکیل مجمع‌هایی در سطح محله‌ها و گفت‌وگو با افرادی که مشکلات مشابه دارند، به‌دنبال رسیدن به یک درد مشترک و آگاهی از یک راه‌حل مشترک هستیم که گاهی قابل‌تعمیم به سایر مشکلات نیز هست.»

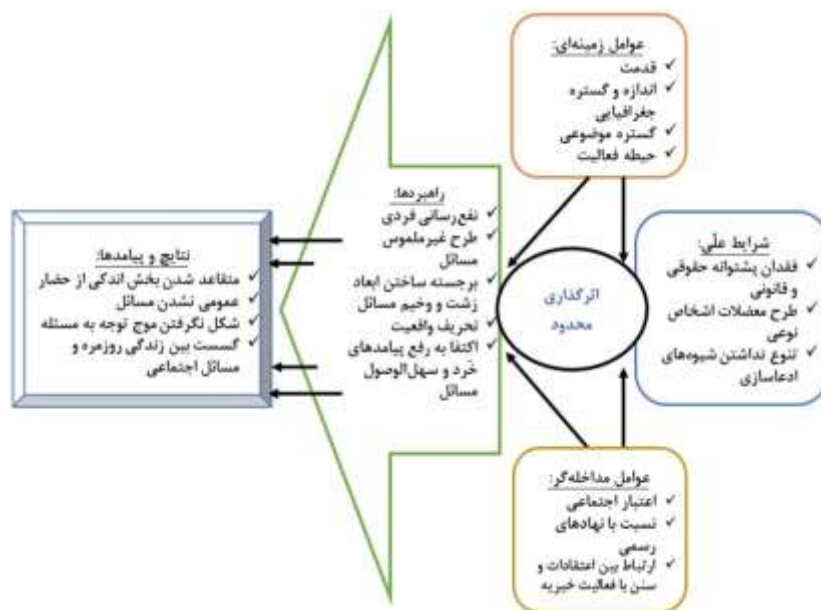
در رویکرد برساخت‌گرایی نیز تأکید می‌شود که مسائل اجتماعی با فعالیت‌های روزمره و نگرانی‌های شخصی ما در رقابت‌اند. درواقع توجه به یکی از آن‌ها ما را از توجه به دیگری غافل می‌کند. درحالی‌که طبق بررسی انجام‌شده ارتباط محکمی بین اهداف سمن‌ها و اتفاقات جاری جامعه و زندگی مردم وجود ندارد.

مدل برخاسته از داده‌ها

در ادامه، یافته‌های تحلیلی پژوهش با ترسیم مدل پارادایمی ارائه می‌شود. در این بخش با طی کردن باقی مراحل یعنی کدگذاری محوری و انتخابی، محققان سعی کرده‌اند ضمن ترسیم مدل پارادایمی در میان مقوله‌ها، یک مقوله اصلی و هسته را که همه مقوله‌های دیگر به‌نحوی با آن ارتباط دارند مشخص کنند. در این مرحله پایانی، پایه‌های نظریه مبنایی براساس ارتباط مقوله‌های متعدد با مقوله اصلی و مرکزی حاصل می‌شود (بل و همکاران، ۲۰۰۴). این مرحله

فرایندی انسجام‌بخش است که طی آن، ضمن مشخص شدن مقولهٔ هسته و پدیدهٔ مرکزی، ارتباط منظم آن با دیگر مقوله‌ها و افزایش اعتبار این روابط با جست‌وجوی موارد تصدیق‌شدن یا نشدن انجام می‌شود. پدیده در مدل پارادایمی ایده، حادثه یا رخدادی است که مفاهیم و مقوله‌ها بر محور آن ایجاد می‌شوند (استراوس و کوربین، ۱۹۹۴).

سمن‌های حمایتی در مسیر فعالیت خود از روش‌های گوناگونی برای شناساندن آسیب‌ها و مسائل اجتماعی مختلف به مردم استفاده می‌کنند. در این راستا سمن‌ها با چالش‌ها و موانعی روبه‌رو هستند که در قالب مدل پارادایمی ارائه شده است. مقولهٔ هستهٔ شناسایی‌شده در این پژوهش که دارای قدرت جذب سایر مقوله‌ها در خود، یکپارچگی سایر مقوله‌های پیرامون آن و برتری نظری نسبت به سایر مقوله‌هاست، «اثرگذاری محدود» است. این مقولهٔ هسته و ویژگی‌های دیگری مانند مرکزیت نسبت به سایر مقوله‌ها، فراوانی وقوع، جامعیت و سهولت ربط آن با دیگر مقوله‌ها را دارد. با مشخص شدن مقولهٔ هسته، مدل پارادایمی نهایی تحقیق به تصویر کشیده می‌شود.



شکل ۱. مدل پارادایمی موانع آشناسازی مسائل اجتماعی در سمن‌ها حول پدیدهٔ اثرگذاری محدود

در گام بعدی باید به مفهوم‌پردازی مقوله مرکزی تحقیق پرداخت که به آن شرح داستان یا خط اصلی داستان^۱ گفته می‌شود. در ادامه شرح داستان خواهد آمد.

رشد ناموزون اقتصاد و تضادهای اجتماعی به پیدایش حاشیه‌نشینی و ایجاد گروه‌های حاشیه‌ای در جوامع شهری انجامیده است. شهرنشینی در کلان‌شهرهای در حال توسعه با آهنگ شتابانی گسترش می‌یابد. به‌رغم اینکه امکانات اشتغال مولد برای مهاجران و جمعیت مازاد انسانی به فضای شهری فراهم نیست و امکانات، تسهیلات زیربنایی و کالبدی شهر نیز با افزایش جمعیت شهر متناسب نیستند، جمعیت نوظهور تهیدست داخل فضای شهر شده و بی‌آنکه بتواند جذب بازار کار شود یا دست‌کم به‌عنوان نیروی کار ارزان بی‌مهارت کار کند، سکونتگاه‌ها و محله‌های نامتعارف را از قبیل زاغه‌ها و آلونک‌های حاشیه‌ای برپا کرده است. حذف قشرهای کم‌درآمد از نظام برنامه‌ریزی یا لحاظ‌نکردن آن‌ها به‌عنوان گروه‌های هدف مورد حمایت در سیاست‌گذاری شهری که به‌ناچار موجب برنامه‌ریزی خودبه‌خودی کم‌درآمدها برای تأمین سرپناه می‌شود، در دل مناطق نسبتاً برخوردار، حاشیه‌هایی مانند جزیره فقر به‌وجود آورده است که نمودار بارزی از توزیع نابرابر امکانات و ثروت است. در چنین شرایطی، سازمان‌های مردم‌نهادی شکل گرفته‌اند که در حوزه آسیب‌های اجتماعی فعالیت می‌کنند. این سازمان‌های مردم‌نهاد با شناساندن درست یک مسئله اجتماعی به مردم به‌سمت جلب مشارکت و همراه‌ساختن آن‌ها برای توجه به معضلات و آسیب‌های اجتماعی مختلف حرکت می‌کنند. می‌توان گفت اگر آشناسازی مسائل اجتماعی در سمن‌ها به‌درستی صورت نگیرد، باقی تلاش‌های آن‌ها برای بهبود وضعیت اقشار آسیب‌پذیر کم‌اثر می‌شود.

مقوله مفهومی‌ای که مانع اصلی آشناسازی مسائل اجتماعی در سمن‌های حمایتی را بیان می‌کند و می‌تواند همه مقوله‌ها و مباحث را پوشش دهد و نیز جنبه تحلیلی دارد «اثرگذاری محدود» نامیده شده است. این مفهوم نشانگر چالش اصلی سمن‌ها در حوزه آشناسازی مسئله اجتماعی است. بدین‌معنا که تلاش سمن‌ها در این حوزه آثار محدودی بر مخاطبان و مردم دارد. در واقع سمن‌ها نمی‌توانند یک آسیب و مسئله اجتماعی را که از نظر آن‌ها مهم است، در اذهان جامعه مهم جلوه دهند و بخش زیادی از مردم را متقاعد کنند که مشکل مذکور نیازمند توجه جدی است.

بحث و نتیجه‌گیری

اهمیت نقش مشارکت اجتماعی در پیشبرد توسعه کشورها سبب گسترش فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در سطح جهان شده است. به تدریج با شکل‌گیری رویکردهای تخصصی در سمن‌ها و ظهور سمن‌های حمایتی و فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی، تعداد این‌گونه سمن‌ها در ایران نیز رو به گسترش نهاد. این سمن‌ها با تمرکز بر محله‌های حاشیه‌ای، به دنبال احقاق حقوق و بهبود وضعیت زندگی محرومان و آسیب‌دیدگان جامعه هستند. اما در این مسیر با موانع زیادی روبه‌رو هستند که تحقیق حاضر به دنبال شناخت یکی از مهم‌ترین آن‌ها یعنی موانع آشناسازی مسائل اجتماعی بوده است. البته پژوهش حاضر به دلیل روش انتخابی داعیه تعمیم نتایج را ندارد، اما سازمان‌های مردم‌نهاد بررسی شده در این تحقیق، جزء مهم‌ترین سمن‌های فعال در حوزه آسیب‌های اجتماعی در کشور بوده‌اند.

طبق رویکرد برساخت‌گرایی اجتماعی، معضلات و مسائلی که سمن‌های حمایتی در تلاش برای از رفع یا کاهش آن هستند، به وضوح مسائلی اجتماعی تلقی می‌شوند و سمن‌ها همان گروه‌هایی هستند که سعی دارند با آشناسازی و شناساندن مسائل اجتماعی درصدد حل آن‌ها برآیند. طبق مدل پارادایمی ترسیم‌شده در خصوص موانع آشناسازی مسائل اجتماعی، مشکل اصلی سمن‌ها اثرگذاری محدود است. برای تشریح این مدل که در واقع نظریه‌ای برخاسته از داده‌های میدانی تحقیق است باید گفت سمن‌ها نمی‌توانند آسیب و مسئله‌ای اجتماعی را که از نظر آن‌ها مهم است، به خوبی در اذهان جامعه مهم جلوه دهند و بخش زیادی از مردم را متقاعد کنند که مشکل مذکور نیازمند توجه جدی است. طبق مدل استخراج‌شده، در شکل‌گیری این چالش اساسی شرایط زیادی دخیل هستند. از جمله این شرایط این است که نهادهای رسمی و قانونی جایگاه مستحکمی را که بتواند به‌عنوان پشتوانه حقوقی از سمن‌ها حمایت کند ترسیم نکرده‌اند. همچنین سمن‌ها بعضاً بر مشکلاتی تأکید می‌کنند که بیش از آنکه جنبه عمومی و همه‌گیر داشته باشد، فردی و محدود است. از سوی دیگر، زمانی که به سراغ مسائل اجتماعی مبتلا به جامعه می‌روند، به خوبی نمی‌توانند آن را برای مردم و جامعه مهم و نیازمند رسیدگی جدی نشان دهند. یکی از دلایل این ناکامی را باید استفاده نکردن از تکنیک‌های متنوع برای اقناع مخاطبان دانست. در کنار این شرایط باید در نظر داشت که برخی

سمن‌ها به دلیل تجربه اندک در حوزه فعالیت، تعداد کم همکاران داوطلب و ناتوانی در توجه به معضلات گوناگون، با موانع مختلفی در مسیر آشناسازی مسائل اجتماعی مواجه می‌شوند. از سوی دیگر، برخی سمن‌ها در اذهان جامعه از اعتبار اجتماعی مناسبی برخوردار نیستند. البته تعدادی از سازمان‌های مردم‌نهاد برای کسب این اعتبار تلاش می‌کنند بر اعتقادات و باورهای دینی مردم دست بگذارند، اما در این مسیر نیز کاملاً موفق نیستند و بعضاً محکوم به تحریف واقعیت و غلبه رویکردهای سیاسی بر عمل خیرخواهانه می‌شوند.

در این بین، سمن‌ها از راهبردهایی برای کنترل و مدیریت شرایط موجود استفاده می‌کنند. یکی از این راهبردها، تأکید بر مشکلات فردی به جای مسائل جمعی و همگانی است. در این فضا سمن‌ها عمدتاً مسائل را به صورت فردی تحلیل و به مخاطب ارائه می‌کنند. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، امکانات محدود سمن‌ها سبب می‌شود آن‌ها نتوانند به مسائل اجتماعی مهم و عمومی توجه کنند. همچنین سمن‌ها در مسیر ملموس و قابل درک جلوه‌دادن معضلات گروه‌های آسیب‌پذیر دچار مشکلاتی هستند. از طرف دیگر، سمن‌ها برای کنترل و مدیریت چالش اثرگذاری محدود سعی می‌کنند ابعاد ناراحت‌کننده، زننده و وخیم آسیب‌های اجتماعی را در اذهان مردم برجسته سازند. موضوعی که گاهی آن‌ها را متهم به فریب افکار عمومی، تحریف واقعیت و نوعی سیاه‌نمایی از وضعیت جامعه می‌کند. تلاش برای رفع جنبه‌های سهل‌الوصول یک آسیب اجتماعی نیز از دیگر راهبردهای مورد استفاده است.

در نهایت چالش اصلی پیش‌روی سمن‌ها پیامدهایی دارد. در توضیح یکی از این پیامدها باید گفت فعالیت سمن‌ها به خوبی نمی‌تواند به عمومی شدن مسائل اجتماعی مورد توجه آن‌ها منجر شود؛ در نتیجه تنها بخش محدودی از افراد درباره ضرورت حل این مسائل متقاعد می‌شوند. پیامد دیگر این است که مشکلات اقشار آسیب‌پذیر از زندگی روزمره مردم جدا می‌ماند و همان‌طور که در رویکرد برساخت‌گرایی تأکید شده است، این مسائل اجتماعی در رقابت با نگرانی‌های زندگی شخصی مردم شکست می‌خورند و در نتیجه موج اجتماعی برای مقابله با معضلات اجتماعی در سطح جامعه شکل نمی‌گیرد.

علی‌رغم همه موانع، ارتباط مستقیم تشکل‌های مردم‌نهاد با جامعه از بروز بسیاری از بحران‌های اجتماعی پیشگیری می‌کند. در واقع این سازمان‌ها می‌توانند با اطلاع‌رسانی به موقع و

واکنش سریع و مستمر، از تبدیل شدن آسیب‌های اجتماعی به بحران جلوگیری کنند؛ بنابراین تلاش برای رفع موانع موجود در مسیر فعالیت این سازمان‌ها را که در این تحقیق به آنها اشاره شد، می‌توان کوششی برای رفع مسائل اجتماعی قلمداد کرد.

منابع

- امیرکافی، مهدی (۱۳۹۶)، «حاشیه‌نشینی و محلات محروم شهری: چالش‌ها و راهبردها»، مجموعه مقالات کتاب تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور، نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: ۵-۵۲.
- امینی، داود (۱۳۹۲)، «تدوین قانون جامع حمایتی سازمان‌های مردم‌نهاد»، مصاحبه با مشاور وزیر کشور و معاون امور سازمان‌های مردم‌نهاد کشور، خبرگزاری مهر، www.mehrnews.com/news/2213963
- انوری، ابراهیم (۱۳۸۴)، سازمان‌های غیردولتی و حقوق بشر در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، تهران: دانشگاه تهران.
- ایمان، محمدتقی (۱۳۹۱)، روش‌شناسی تحقیق کیفی، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- پورنجاتی، احمد (۱۳۸۱)، «جامعه مدنی و نهادهای مردمی»، روزنامه نوز، شماره ۳۷۳: ۳-۴.
- تویسرکانی، امین (۱۳۹۱)، نقش و جایگاه سازمان‌های مردم‌نهاد در حمایت از بزه دیدگان در فرایند دادرسی کیفری؛ مطالعه تطبیقی حقوق ایران و فرانسه، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی، تهران: دانشگاه تهران.
- حسینی، ماه‌صنم؛ زارعی، مرضیه؛ نجاتی، مرضیه و فضل‌الله عمادی (۱۳۹۸)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در پیشگیری از گرایش نوجوانان به مصرف مواد مخدر»، مطالعات راهبردی علوم انسانی و اسلامی، شماره ۲۰: ۲۸۰-۲۸۹.
- دانش، علی‌اکبر و داود عزیزاللهی (۱۳۸۷)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در مشارکت اجتماعی جوانان، تهران: دفتر فنی کیمیا خرد پارس، به سفارش سازمان ملی جوانان.
- دستان، آزیسا (۱۳۸۴)، نقش سازمان‌های غیردولتی در ارائه کمک‌های بشردوستانه؛ مورد مطالعه: زلزله بم، پایان‌نامه کارشناسی ارشد روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه تهران.
- دهقان، حوریه (۱۳۸۲)، آسیب‌شناسی تطبیقی سازمان‌های غیردولتی در دوران آقای هاشمی و آقای خاتمی؛ با تأکید بر سازمان‌های غیردولتی زنان، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم سیاسی، تهران: دانشگاه تهران.

- زند رضوی، سیامک (۱۳۹۶)، «کودکان در شرایط دشوار؛ چالش‌ها و راه‌حل‌ها»، مجموعه مقالات کتاب تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: ۲۱۵-۲۴۸.
- سازمان امور اجتماعی کشور (۱۳۹۶)، تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی کشور، با همکاری دفتر طرح‌های ملی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- سعیدی، محمدرضا (۱۳۸۲)، درآمدی بر مشارکت مردمی و سازمان‌های غیردولتی، تهران: سمت.
- سعیدی، علی‌اصغر (۱۳۸۴)، «رابطه دولت و سازمان‌های غیردولتی زنان در ایران؛ جست‌وجوی یک همکاری بهینه»، مجله پژوهش زنان، شماره ۳: ۲۷-۵۸.
- شفیعی، نوذر (۱۳۸۰)، «جهانی‌شدن و سازمان‌های غیردولتی»، فصلنامه مصباح، شماره ۳۷: ۱۰۵-۱۷۷.
- شیخ‌الاسلام، نجمه (۱۳۸۹)، «نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی زنان در معرض آسیب‌های اجتماعی»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- صدر، علی (۱۳۸۵)، «سازمان مردم‌نهاد فعال در کشور»، روزنامه اطلاعات، شماره ۲۳۶۵۳: ۸-۹.
- طوسی، ندا (۱۳۹۰)، ارزیابی رویکرد و فعالیت‌های سازمان‌های غیردولتی مرتبط با سازمان بهزیستی شهر تهران در فقرزدایی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- عباسی شوازی، محمدجلال (۱۳۹۶)، تحولات و وضعیت جمعیت در جمهوری اسلامی ایران، تهران: مؤسسه مطالعات و مدیریت جامع و تخصصی جمعیت کشور.
- غلامی رزینی، محسن؛ وروایی، اکبر و احسان غلامی (۱۳۹۷)، «تأثیر مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در ارتقای ایمنی ترافیک تهران بزرگ»، مطالعات مدیریت ترافیک، شماره ۵۱: ۸۵-۱۰۸.

- گلشن پژوه، محمودرضا (۱۳۸۷)، سازمان‌های غیردولتی بین‌المللی و افزایش توجه بین‌المللی نسبت به وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران از ۱۳۶۰ الی ۱۳۸۶، پایان‌نامه دکتری روابط بین‌الملل، تهران: دانشگاه تهران.
- لطفی، بهنام (۱۳۹۷)، توسعه مشارکت‌های اجتماعی و سازمان‌های مردم‌نهاد در جمهوری اسلامی ایران، تهران: ارمنان حیات.
- لوزیک، دانیلین (۱۳۸۸)، نگرشی نو در تحلیل مسائل اجتماعی، ترجمه سعید معیدفر، تهران: امیرکبیر.
- مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۶)، آینده‌پژوهی ایران ۱۳۹۶، تهران: گروه تحقیقاتی آینده‌بان.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۲)، سازمان‌های مردم‌نهاد؛ رکن سوم توسعه پایدار، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس، دفتر مطالعات سیاسی.
- مرکز ملی رصد اجتماعی کشور (۱۳۹۴)، گزارش وضعیت شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی کشور، تهران: وزارت کشور.
- معیدفر، سعید (۱۳۸۹)، «مسائل اجتماعی ایران: جامعه‌شناسی اقشار آسیب‌پذیر»، تهران: علم.
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۲)، «سازمان‌های غیردولتی کارآفرین»، مجله فرهنگ مدیریت، شماره ۳: ۹۵-۱۲۴.
- مقیمی، سیدمحمد (۱۳۸۵)، کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی؛ پژوهشی در سازمان‌های غیردولتی ایران، تهران: دانشگاه تهران.
- موسوی، میرطاهر (۱۳۹۱)، درآمدی بر مشارکت اجتماعی، تهران: جامعه‌شناسان.
- مولائی، محسن (۱۳۹۳)، بررسی نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در توانمندسازی کودکان در وضعیت دشوار؛ با مطالعه منطقه ۱۲ تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشگری علوم اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- مهدیزاده، منصوره و بهنام لطفی (۱۳۹۶)، «تحلیل جامعه‌شناختی آسیب طلاق در استان کرمان»، مجموعه مقالات کتاب تحلیل مسائل و آسیب‌های اجتماعی استان کرمان، نشر

- پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات: ۸۹-۱۳۶.
- وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی (۱۳۹۶)، **اطلس مسائل اجتماعی ایران، تهیه‌شده در معاونت رفاه اجتماعی**، دفتر امور آسیب‌های اجتماعی، دبیرخانه شورای عالی رفاه و تأمین اجتماعی.
 - وزارت کشور (۱۳۹۶)، **بانک اطلاعات جامع تشکل‌های مردم‌نهاد کشور**، طرح پژوهشی آمارگیری و تشکیل سامانه بانک داده‌ها و اطلاعات سازمان‌های مردم‌نهاد.
 - وزارت ورزش و جوانان (۱۳۹۶)، **سیمای آماری سازمان‌های مردم‌نهاد جوانان**، اداره کل مشارکت‌های اجتماعی جوانان.
 - ون‌وری، آلیسون (۱۳۸۶)، **بازی مشروعیت؛ جامعه مدنی، جهانی‌شدن و اعتراض**، ترجمه احسان شاه‌قاسمی، تهران: مرکز مطالعات جهانی‌شدن.
 - Abbasi Shavazi, M. (2017), **Developments and Population Status in the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Institute for Studies and Comprehensive and Specialized Population Management. (*In Persian*)
 - Amini, D (2014), "Compilation of Comprehensive Law on Protection of Non-Governmental Organizations", Interview with Minister of Interior and Deputy Minister of Public Affairs, **Mehr News Agency**, Available at www.mehrnews.com/news/2213963 (*In Persian*)
 - Amirkafi, M. (2017) "Urban Settlements and Deprived Neighborhoods: Challenges and Strategies", In **Analysis of Social Problems Book**, Institute of Culture, Art and Communication: 5-52. (*In Persian*)
 - Anvari, E. (2005), **Non-Governmental Organizations and Human Rights in Iran**, MA Thesis in Human Rights, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. (*In Persian*)
 - Bell, J. A., Hyland, S., Depellegrin, T., Upshur, R., Bernstein, M., and Martin, D. (2004), "SARS and Hospital Priority Setting: a Qualitative Case", **BMC Health Serv Res**, No. 4: 36-59.
 - Center for Strategic Studies (2017), **Iran Futures Studies 2017**, by the Dydeban Future Research Group. (*In Persian*)
 - Clark, J. (1997), **The State Popular Participation and the Voluntary Sector, NGOs States and Donors**, new York: Martins Press.
 - Danesh, A., and Azizollahi, D. (2008), **The Role of Non-Governmental Organizations in Youth Social Participation**, Technical Office of Kimia-e Kher-e-Pars, commissioned by the Youth National Organization. (*In Persian*)
 - Dastan, A. (2005), **The Role of Non-Governmental Organizations in Providing Humanitarian Aid; The Bam Earthquake Study**, MA Thesis in International Relations, Tehran: University of Tehran. (*In Persian*)

- Dehghan, H. (2003), **Comparative Pathology of Non-Governmental Organizations in Hashemi and Khatami government; Emphasizing on Women's Non-Governmental Organizations**, MA Thesis in Political Science, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. *(In Persian)*
- Farington, J. et al. (1993), **Non-Government Organizations and the States in Asia**, London: Routledge.
- Febiula, C. (2011), **A Study on Career Development Program in NGOs; Chennai Case Study**, P.S.G.R. Krishnammal College for Women.
- Gholami razini, M., Varaei, A., and Gholami, A. (2018), "The Impact of Non-Governmental Organizations' Participation on Promoting Traffic Safety in Tehran", **Traffic Management Studies**, No. 51: 85-108. *(In Persian)*
- Golshanpazhooh, M. (2008), **International Non-Governmental Organizations and Increased International Attention to the Human Rights Situation in the Islamic Republic of Iran from 1980 to 2007**, Ph.D. Thesis in International Relations, Faculty of Law and Political Science, University of Tehran. *(In Persian)*
- Hosseini, M., Zareie, M., Nejati, M. and Emadi, F. (2019), "The Role of NGOs in Preventing Adolescents' Tendency to Drug Abuse", **Strategic Studies in Humanities and Islam**, No. 20: 280–289. *(In Persian)*
- Hulme, D., and Edwards, M. (1997), **NGOs, States and Donors: Too Close for Comfort?** Macmillan Press Ltd.
- Iman, M. T. (2013), **Qualitative Research Methodology**, Ghom: Research Institute of Hawzeh and University publication. *(In Persian)*
- Indian Express (2011), **India: More NGOs, than Schools and Health Centres**, in: www.oneworld.net
- Karns, M. P. (2016), **Nongovernmental Organization**, Encyclopedia Britannica.
- Lewis, D. (2001), **The Management of Non-Governmental Development Organizations**, Taylor & Francies Group Press.
- Loseke, D. (2009), **A New Approach to the Analysis of Social Problems**, Translated by: S. Moyyedfar, Tehran: Amirkabir Publications.
- Lotfi, B. (2018), **Development of Social Partnerships and NGOs in the Islamic Republic of Iran**, Tehran: Armaghan Hayat Publications. *(In Persian)*
- Mahdizadeh, M., and Lotfi, B. (2017), "Sociological Analysis of Divorce Problems in Kerman Province", in **Kerman Province Social Problems Analysis Book**, Institute of Culture, Art and Communication Research: 89–136. *(In Persian)*
- Majlis Research Center (2013), **NGOs; Third Sector of Sustainable Development**, Tehran: Office of Political Studies. *(In Persian)*
- Ministry of Cooperatives, Labor and Social Welfare (2017), **Social Affairs Atlas of Iran**, Tehran: The Deputy Director of Social Welfare, Office of Social problems Affairs, Secretariat of the Welfare Council and Social Security. *(In Persian)*

- Ministry of Sport and Youth (2017), **Statistical Form of Youth NGOs**, Tehran: Office of Youth Social Participation. *(In Persian)*
- Ministry of the Interior (2017), **Registered Statistics of Active NGOs in the Country**, Tehran: Center for Public Affairs. *(In Persian)*
- Moghimi, S. (2006), **Entrepreneurship in Civil Society; Research in Iranian Non-Governmental Organizations**, Tehran: Tehran University Press. *(In Persian)*
- Moghimi, S. (2003), "Entrepreneurial NGOs", **Journal of Management Culture**, No. 3: 95–124. *(In Persian)*
- Moidafar, S. (2010), **Social Problems of Iran; Sociology of Vulnerable Groups**, Tehran: Elm Publications. *(In Persian)*
- Molaei, M. (2014), **Investigating the Role of Non-Governmental Organizations in Empowering Children in Difficult Situations: A Study of Tehran Region 1**, MA in Social Science Research, Tehran: University of Tehran. *(In Persian)*
- Mosavi, M. (2012). **An Introduction to Social Participation**, Tehran: Jameshenasan Publications. *(In Persian)*
- National Center for Social Observation of Iran (2015), **Report on Social, Cultural, Economic and Security Indicators**, Ministry of Interior. *(In Persian)*
- Organization of Social Affairs of Iran (2017), **Analysis of Social Issues and Problems of Iran**, in cooperation with the Office of National Plans of the Ministry of Culture and Islamic Guidance and Faculty of Social Sciences, Tehran: University of Tehran, Institute of Culture, Art and Communication. *(In Persian)*
- Pournejati, A. (2002), "Civil Society and Public Organizations", **Nowruz Newspaper**, No. 373: 3–4. *(In Persian)*
- Rodriguez, A. (2008), **Hobbled NGOs Wary of Medvedev; Watchdogs are Civil Lifeline in Lawless Russia**, Available at www.chicagotribune.com
- Sadr, A. (2006), "Active NGOs in the Country", **Etelaat Newspaper**, No. 23653: 8–9. *(In Persian)*
- Saeedi, A. (2005), "The Relationship between Government and Women's NGOs in Iran; Searching for Optimal Collaboration", **Journal of Women Research**, No. 3: 27–58. *(In Persian)*
- Saeedi, M. (2003), **An Introduction to Public Participation and NGOs**, Tehran: Samt. *(In Persian)*
- Shafi'i, N. (2001), "Globalization and NGOs", **Mesbah Quarterly**, No. 37:77–105. *(In Persian)*
- Shah, A. (2005), **Non-governmental Organizations on Development Issues**, Available at www.globalissues.org.
- Sheikholeslam, N. (2010), **The Role of Non-Governmental Organizations in Empowering Women Exposed to Social Problems**, MA Thesis in Social Science Research, Tehran: University of Tehran.

- Shukla, A. (2010), **First official estimate: An NGO for Every 400 People in India**, Available at www.indianexpress.com
- Spector, M., and Kitsuse, j. (1973), “Social Problems: A Reformation”, **Social Problems**, No. 21: 59–145.
- Spector, M. (1977), **Constructing Social Problems**, Menlo Park: Calif Cummings Press.
- Strauss, A., and Corbin, J. (1994), Grounded Theory Methodology: An Overview. In denzin and lincon (eds). **Handbook of Qualitative Research**, CA: sage.
- Techreport 25 (2018). **Facts and Stats about NGOs Worldwide**, Global NGO Technology, Available at techreport.ngo/facts-and-stats-about-ngos-worldwide.html.
- Toisserkani, A. (2012), **The Role and Position of NGOs in Support of Victims in the Criminal Procedure Process: A Comparative Study of the Laws of Iran and France**, MA in Criminal Law and Criminology, Tehran:University of Tehran. (*In Persian*)
- Tousi, N. (2011), **Evaluation of the approach and activities of NGOs related to Tehran Welfare Organization in Poverty Reduction**, MA Thesis in Social Science, Tehran: University of Tehran. (*In Persian*)
- U.S Department of state, (2013), **Fact Sheet: Non-Governmental Organizations (NGOs) in the United States**, Available at www.Humanrights.gov
- Usaid (2000), **new partnership initiative: NGO empowerment**, NPI core report.
- Venroy, A. (2007), **Game of Legitimacy; Civil Society, Globalization and Protest**, Translated by E. Shahghasemi, Tehran: Center for Globalization Studies. (*In Persian*)
- World Bank (2016), **Non-Governmental Organizations and Civil Society Engagement**, Operations Evaluation Department. (*In Persian*)
- Zand Razavi, S. (2017), “Children in Difficult Conditions; Challenges and Solutions”, In **Analysis of Social Problems Book**, Institute of Culture, Art and Communication: 215–248. (*In Persian*)